

تحلیل فرایند جذب و هدایت مردم به دین در سیره تبلیغ عملی انبیاء از منظر قرآن کریم*

سهیلا بابا^۱ / مجید معارف^۲ / محمد صافحیان^۳

چکیده: تبلیغ یکی از ابزارهای بسیار موثر در جذب و هدایت مردم به دین الهی است. در عصر حاضر که مستکبران جهانی تمام سعی و تلاش خود را می‌کنند تا نور اسلام را خاموش کنند، مسئولیت مبلغ دین نسبت به قبل مضاعف می‌باشد و در این مسیر همانطور که تبلیغ ضرورت دارد، شیوه تبلیغ صحیح نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که قرآن کریم کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب هدایت برای بشریت است؛ محور پژوهش حاضر به سیره عملی انبیا در قرآن کریم پرداخته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای انجام گرفته است. دامنه آن در محدوده آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر و منابع دست اول روایی می‌باشد. با بهره‌برداری از منابع یاد شده این نتیجه حاصل شد که مهم‌ترین شیوه در سیره عملی انبیا برای جذب و هدایت مردم، محبت و دلسوزی، حسن خلق، عفو و گذشت، تواضع و فروتنی، نصیح و خیرخواهی، صبر و استقامت، هماهنگی قول و فعل می‌باشد. شیوه‌های یاد شده در سراسر دنیا برای جذب مردم به دین، با هر دین و قومیتی قابل اجرا است.

کلید واژه: هدایت، دین، سیره، تبلیغ، انبیاء.

* دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد تهران جنوب.

۲. استاد راهنما دانشگاه تهران دانشکده الهیات.

۳. استادیار دانشگاه آزاد تهران جنوب (استاد مشاور).

۱- مقدمه

همواره تبلیغ دین الهی وظیفه انبیا و معصومین بوده است که در عصر حاضر این امر مهم به مبلغان دینی سپرده شده است، به همین علت شناخت شیوه‌های صحیح تبلیغ برای مبلغ امری ضروری است. یکی از روش‌های اثرگذار جذب مردم به دین، تبلیغ غیرکلامی (عملی) مبلغ می‌باشد.

۱-۱- بیان مسئله

قرآن کریم جامع‌ترین کتاب آسمانی است، که کاملترین نسخه را برای جذب و هدایت مردم به دین الهی ارائه داده است. تبلیغ انبیاء در قرآن کریم نشان دهنده این موضوع است که از روش و قالب‌های ویژه برای نفوذ و تاثیر در مخاطب بهره جسته‌اند. این رسالت با اولین پیغمبر شروع شد و تا آخرین پیغمبر ادامه داشت، و بعد از ایشان به معصومین و مبلغین سپرده شده است. و مبلغ دین با شناخت از سیره انبیا و معصومین این رسالت الهی را ادامه می‌دهد.

سخن در این است که یک مبلغ موفق برای جذب و هدایت مردم واجد چه شرایط عملی باشد که تبلیغ او موثر واقع شود. تا مردم آموزه‌های دین را با جان و دل بپذیرند. و در این راستا از چه الگویی به‌رمند شود.

۱-۲- اهمیت موضوع

اهمیت موضوع تحقیق از آن جهت است که روش عملی تبلیغ در اعتماد سازی و اقناع مخاطب نقش بسزایی دارد زیرا مخاطب پیش از شنیدن گفتار مبلغ، اعمال و رفتار او را تجزیه و تحلیل می‌کند. و مبلغ با رعایت سیره عملی انبیا در تبلیغ خود عملکرد بهتری در جذب و هدایت مخاطب خواهد داشت.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در طول تاریخ محققان زیادی به موضوع تبلیغ و شیوه‌های آن توجه داشته‌اند، و تعداد زیادی کتاب و مقاله در این زمینه به نگارش درآمده است؛ از جمله تبلیغ بر پایه قرآن و حدیث

و تاریخ، محمد ری شهری؛ تبلیغ در قرآن، به نویسندگی الهامی نیا؛ تبلیغ دین از منظر دین، به نویسندگی مقیمی و رحمتی؛ که همه آنها قابل تقدیر می‌باشند. لیکن هیچ کدام راهکارهای دینی را به صورت جامع و کاربردی در سیره عملی انبیا در قرآن ارائه نکرده‌اند. در پژوهش حاضر به مهمترین سیره تبلیغ عملی انبیا در قرآن کریم پرداخته شده است.

۲- بررسی مفاهیم نظری مرتبط با تبلیغ

۲-۱- مفهوم تبلیغ

فراهیدی در تعریف لغوی تبلیغ می‌گوید تبلیغ در لغت از «بلغ» گرفته شده است و معنای آن رسیدن و تبلیغ از باب تفعیل بوده به معنی رساندن چیزی می‌باشد و همچنین به معنای رساندن نامه یا غیر آن به کار برده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۲۱). در فرهنگ ابجدی آمده است: «البلاغ» - ج بلاغات و اسم است از «ابلاغ» و «تبلیغ» رسانیدن پیام، رسیدن به خواسته‌ها، آگهی، اعلام، اطلاعیه، بیانیه، کتابی که در آن حکمی از مسئله‌ای بیان شده باشد است (البستانی، ۱۳۷۵ش، ۱۹۲؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۱۳۶۱).

از منظر قرآن کریم رساندن پیام الهی به جان مخاطب مهمترین وظیفه انبیا است. این رسالت به قدری اهمیت دارد که پروردگار به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان می‌دارد: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف، ۶۸). و پیامبر اکرم خود را به عنوان یک مبلغ به مردم معرفی می‌کند «انما انا مبلغ» (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۳۸۹).

۲-۳- مفهوم دین

در لغت نامه‌های عربی دین به معنی «جزاء»، «عاده»، «حساب»، «سلطان»، «تدبیر»، «درع»، «قضاء» معنی شده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۱۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۶۷). ابن فارس آورده است: ریشه دین اطاعت و ذلت و انقیاد است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۵)؛ معنای فارسی دین عبارت است از «شریعت»، «طریقت»، «کیش» و «مله» (عمید، ۱۳۶۵، ص ۱۱۷۶). در معنای اصطلاحی دین آمده است: «دین» جزاء، حساب و پاداش است «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (فاتحه، ۴) منظور از یوم الدین روز قیامت می‌باشد، زیرا دین به معنای جزاء بوده، و جزاء در قیامت مختص انسان و جن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۲). معنای دیگر

«دین» که در قرآن بیشترین استعمال را دارد، معنای آیین و شریعت است. علامه طباطبایی می‌فرماید: «دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست. آن دین عبارت است، از اسلام، که تسلیم شدن در برابر بیانی می‌باشد که از مقام ربوبی در مورد عقائد و اعمال و یا در مورد احکام و معارف صادر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۱۸۹).

۲-۴- مفهوم سیره

سیره از کلمه «سیر» بر وزن فعله و از ماده سیر به معنی رفتن می‌باشد همچنین خود واژه سیره به معنی سنت و هیات و روش و طریقت و رفتار می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۳۹۹؛ عمید، ۱۳۶۵ ش، ص ۶۴۱؛ بستانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۵۰۷).

استاد مطهری در بیان معنای اصطلاحی سیره می‌نویسد: منظور از سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفتار او نیست بلکه نوع و سبک رفتارش برای رسیدن به هدف و مقصد الهی می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۵۰).

۲-۵- مفهوم انبیاء

انبیا در لغت نامه‌های فارسی به معنی پیغمبران و جمع نبی است (عمید، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۳۸۲). نبی بر وزن فعیل است در حالتی که در جایگاه فاعل باشد، در معنی خبر دهنده می‌باشد به این دلیل که نبی از سمت خدا خبر می‌رساند «نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغُفُورُ الرَّحِيمُ» (حجر، ۴۹). (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۶).

البستانی آورده است: پیغمبر، برانگیخته خدا به سوی مردم می‌باشد، آن که از غیب و آینده با وحی از سوی خدا خبر می‌دهد، کلمه نبی نیز به معنای برآمدگی زمین می‌باشد و به معنای جای بلند و برآمده، راه روشن و آشکار، آنچه از جایی به جای دیگر برود می‌باشد (البستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۶). سیره انبیاء دارای رفتاری است که روش و سبک ویژه‌ای، برای جذب و هدایت مردم دارد.

۳- مهمترین شیوه‌های عملی در سیره تبلیغی انبیاء در جذب مردم به دین

انبیا الهی برای جذب مردم به دین الهی از شیوه‌های پسندیده استفاده می‌کردند. تا آنجا

را از گمراهی نجات دهند و به راه راست هدایت کنند. خداوند متعال آن شیوه‌ها را در قرآن کریم آورده است روش‌هایی که در هیچ زمان و مکانی کهنه نمی‌شود و قابل اجرا می‌باشد. مسئله بسیار مهم در شیوه کلامی و غیر کلامی تبلیغ انبیاء توجه به کرامت ذاتی انسان است. آنها در جذب مردم به دین الهی به کرامت ذاتی انسان توجه ویژه‌ای داشتند. کرامت ذاتی جز هویت سلب نشدنی انسان است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «...وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ...» (اسراء، ۷۰).

در تفسیر المیزان آمده است: مراد از این آیه بیان حال جنس بشر است. بنابراین آیه، مشرکین، کفار و فاسقین را زیر نظر دارد. هدف از تکریم توجه به عنایت و امتیاز دادن به خصوصیات است که در دیگر موجودات وجود نداشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۱۸). تکریم انسان به عنوان یکی از اصول اساسی در جذب مردم، سیره تبلیغی انبیا الهی بوده است که در این راستا به شخصیت مخاطب خود توجه داشتند. تکریم و احترام انسان یک وظیفه اساسی برای مبلغ است. سیره تبلیغ عملی انبیا که برای جذب مردم از آن استفاده می‌کردند، نشان دهنده این اصل مهم و اساسی در دعوت آنها می‌باشد.

۱-۳- محبت و دلسوزی

انسان فطرتاً احتیاج به محبت دارد و با هیچ چیز جز محبت نمی‌شود او را متحول کرد محبت مهم‌ترین عامل تربیت نفس‌ها و نرم شدن دل‌های سخت می‌باشد. حضرت علی علیه السلام در حکمت صد و چهل و دو می‌فرماید: جلب محبت نصف عقل است (سید رضی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۸). همه انبیا الهی با محبت و دلسوزی قوم خود را به سوی خدا دعوت می‌کردند. در آیاتی از قرآن کریم که نوع خطاب انبیاء «یا قومی»، «یا ایت»، «یا بنی» است ابراز بی‌نهایت محبت و دلسوزی به مخاطب رانشان می‌دهد. «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مریم، ۴۲). در این آیه حضرت ابراهیم، در نهایت محبت و مهربانی، مخاطب را از خودش دانسته است. خودش را دوستی دلسوز می‌داند. خود را برتر نمی‌داند و با عطف و تمایل عمویش را از عذاب الهی و همنشین با شیطان می‌ترساند. فضل الله این دعوت را نمونه‌ای از هدایت دینی می‌شمارد و می‌فرماید: حضرت

ابراهیم در سخنان خود محبتی فراوان را ارائه می‌کند، تاجای که حتی، برخورد بد مخاطبش باعث بی مهری حضرت نمی‌شود (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۴۸).

نمونه دیگری از عظوفت حضرت ابراهیم نسبت به مردم، زمانی بود که فرشتگان خبر عذاب قوم لوط را دادند. «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ» (هود، ۷۵). گفت و گو و التماس آن حضرت با ملائکه در تاخیر افتادن عذاب گنهکاران که شاید توبه کنند، نشان از رقت قلب و زیادی ترحم آن حضرت بود. (کاشانی، ج ۴، ص ۴۵۶).

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در مقابل اذیت و آزار مردم با لحن محبت آمیز آنها را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذَوْنَ...» (صف، ۵). با اینکه او را اذیت می‌کنند، به او تهمت سحر و دروغ می‌بندند، آن حضرت با بیان محبت آمیز «قوم من» آنها را خطاب می‌کند. و در جای دیگر خداوند متعال موعظه‌های لقمان به پسرش را برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان می‌کند، تا درسی برای مبلغین باشد: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ...» (لقمان، ۱۳، ۱۶، ۱۷). تاکید واژه «یابنی» در موعظه حضرت لقمان نشان از محبت و دلسوزی بی نهایت او نسبت به هدایت فرزندش می‌باشد. لقمان برای نفوذ در عمق جان فرزندش و اقناع او از کلمه زیبا و تاثیرگذار یا بنی بهره برده است. مبلغ تنها در محدوده معرفت و باور معتقد نمی‌ماند. بلکه این معرفت و باور دامنه‌های عواطف او را درمی‌نوردد، چرا که انسان با سایر مخلوقات فرق دارد، دارای شخصیت انسانی است و کارش از عواطفش جدا نیست.

۳-۲- محبت خاتم الانبیاء

راز موفقیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مهرورزی و عشق او به مردم بود. محبت و دلسوزی او یکی از مواهب الهی بود که با دوست و دشمن چنان با ملایمت و ملاحظت رفتار می‌کرد، که هرکس با او هم‌نشین می‌شد فکر می‌کرد دوست‌تر از پیغمبر کسی را ندارد (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۵۲۴).

خداوند متعال می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَساوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹). محبت به مردم و اظهار آن از ویژگی‌های بسیار اساسی است که در رفتار و اعمال رسول خدا آشکار است. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ

بِالْمُؤْمِنِينَ رُغُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸). در این آیه خداوند به مردم می‌فرماید: پیامبری از خودتان به سوی شما آمد، و به جای «منکم»، «من انفسکم» آورده است. گویا بخشی از روح و جان جامعه در سیمای پیغمبر ظاهر شده است. به همین سبب، تمام دردهای مردم را می‌داند، و از مشکلات آنها با خبر است، در غم و اندوه آنها شریک می‌باشد. با این حال سخنی جز به نفع آنها نمی‌گوید. پیامبر ﷺ از ناراحتی مردم محزون می‌شد، نسبت به آن بی تفاوت نبود و به شدت از رنج‌های مردم رنج می‌برد. اصرار بر هدایت شان و جنگهای طاقت فرسا، برای نجات و رهایی آنها از چنگال ظلم و ستم و گناه و بدبختی بود. (نمونه، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۲۰۷). پیامبر خاتم جلوه تام رحمت و محبت الهی بود و شیوه جذب او بر رحمت و مودت استوار بود «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷).

کارآمدترین روش در تبلیغ دین شیوه مهرورزی و عشق به مخاطب است. مخاطب وقتی محبت و صداقت را در گفتار و رفتار مبلغ مشاهده کند، باعث اطمینان قلبی او می‌شود. مانند بیماری که به نسخه شفا بخش طبیب خود ایمان دارد، به او ایمان می‌آورد. بدون شک در جذب مردم، تا پیوند انسانی، ارتباط عاطفی و زمینه‌های دوستی فراهم نشود، نمی‌توان به موفقیت رسید.

۳-۳- حسن خلق

مهمترین اصول عملی در تبلیغ چهره به چهره حسن خلق می‌باشد. خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴). و آن حضرت می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، بی تا، ج ۲۵، ص ۲۱۳). پیامبر اکرم ﷺ در میان مردمی خرافه پرست و دارای تعصب‌های خشک برانگیخته شد، که در جاهلیت محض و به دور از فرهنگ و اخلاق بودند. جوانان و مردم عصر جاهلیت قبل از اینکه گفتار حکمت آموز پیامبر را درک کنند، مجذوب حسن خلق، رفتار نرم، و صفت‌های اخلاقی خوب او شده بودند. او دارای تمام کمالات پسندیده انسانی بود و به همین علت در تبلیغ دین، در مدت کوتاه دعوت اش موفق‌تر از همه انبیا بوده است. پیامبر اکرم همانطور که خود دارای اخلاق نیکو بود، اصحابش را به داشتن این صفت نیکو امر می‌کرد. زمانی که معاذ را برای تبلیغ

به سوی یمن فرستاد فرمود: ای معاذ کتاب خدا را به آنان بیاموز، و با خلق و خوی شایسته آنان را نیکو تربیت کن (الحرانی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۶). سفارش پیامبر اکرم به تمام مبلغان در هر عصری است. که به ویژگی ذاتی انسان توجه داشته باشد. از آنجایی که انسان دارای احساسات خاص و پیچیده می‌باشد، در فرآیند جذب و اقناع تحت تاثیر هر گفتار و عقیده قرار نمی‌گیرد. اقتضای وجود انسان و کرامت ذاتی او باعث می‌شود از جبر و زور متنفر باشد. اعتقادات دارای جنس لطیفی است، با اجبار و زور قابل انتقال نیست، لذا برای اقناع انسان در دعوت و هدایت به سوی خداوند متعال راهی جز حسن خلق که از جنس لطیفی است وجود ندارد. اکثر مخاطبان در وهله اول مجذوب شخصیت مبلغ می‌شوند و محبت به مبلغ باعث گرایش به سوی او و گفتار و عقیده اش می‌شود.

۴-۳- عفو و گذشت

یکی از ویژگی‌های مهم در امر جذب مردم مسئله عفو و گذشت است که در قرآن خداوند متعال پیغمبر اکرم را به آن امر کرده است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف، ۱۹۹).

در روایت آمده است: وقتی این آیه نازل شد پیامبر معنی آن را از جبرئیل پرسید، جبرئیل گفت: خداوند تو را امر می‌کند، کسی که در حق تو ظلم کرده عفو کنی، کسی که تو را محروم کرده به او عطا کنی، هرچه از نظر عقل و شرع پسندیده است و قبح ندارد به مردم امر کنی، و از انسان جاهل و نادان پس از آنکه از هدایت ایشان ناامید گشتی روی گردان شوی به این علت که مجادله با آدم نادان و سفیه باعث مذلت و حقارت انسان می‌گردد (طبرسی، مجمع، ج ۱۰ ص ۱۴۴).

آیه یاد شده به صراحت شرایط مبلغ موفق را برای جذب مردم بیان می‌کند. که در مواجهه با مردمی که در باره شخص مبلغ بی احترامی و کوتاهی می‌کنند، مقابل به مثل نکند بلکه آن را نادیده بگیرد. در صورتی که مخاطب فرد لجوج و سرکشی باشد از او روی برگرداند و حرف‌های او را نشنیده بگیرد زیرا افراد جاهل به دنبال مجادله هستند و مجادله با این افراد شأن و شخصیت مبلغ را زیر سوال می‌برد در آیه دیگری از قرآن کریم آمده است: «...فَاعْفُ

عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمْ وَ...» (آل عمران، ۱۵۹). طباطبایی در این باره بیان می‌دارد: این آیه سیره رسول خدا صلی الله را امضا کرده است، چون آن حضرت قبلاً هم همین‌طور رفتار کرده است و ظلم مردم را با عذوفت و گذشت و محبت مقابله کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۸۷). نمونه دیگر از عفو و گذشت نیکوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فتح مکه می‌باشد، زمانی که کفار در چنگال مسلمین قرار گرفتند، آن حضرت آنها را بخشید، به طوری که دوست و دشمن متحیر شدند و به آنها فرمود: من به شما چیزی را می‌گویم که حضرت یوسف به برادرانش گفت: «قَالَ لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف، ۹۲). حضرت یوسف با آنکه مصائب فراوانی از ناحیه برادرانش دیده بود، همه آن رنج‌ها را نادیده گرفت و آنها را بخشید.

پیامبر اکرم می‌فرماید: عفو پادشاهان سبب بقای حکومت است، چرا که عفو و گذشت از دشمنی‌ها و مخالفت‌ها کم می‌کند، سبب جذب دل‌ها است و باعث افزایش دوستان و یاران می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۱۵). عفو و گذشت مبلغ نشان دهنده روح بزرگ و با اخلاص او است. این صفت پسندیده ریشه در یقین قلبی به اعتقادات دینی دارد که دوست و دشمن را مجذوب خود می‌کند و تاثیر بسزایی در جذب مردم دارد.

۵-۳- تواضع و فروتنی

تواضع و فروتنی از اصول حاکم در روابط اجتماعی است. این صفت پسندیده مورد توجه همه افراد می‌باشد و باعث پیوند قلب‌ها می‌شود. این اصل مهم در سیره انبیا الهی دارای جایگاه ویژه می‌باشد. تا جای که مردم آنها را از خود دانسته و به راحتی با آنها ارتباط برقرار می‌کردند. و کفار به خود اجازه می‌دادند به آنها توهین و بی‌احترامی کنند. در قران کریم خداوند متعال به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر می‌کند، که اگر کافران ایمان نمی‌آورند و دچار عذاب می‌شوند، تو برای ایشان محزون مباش «وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ...» (آل عمران، ۱۷۶). و در سوره حجر و شعرا امر می‌کند که نسبت به مومنین متواضع باش. «وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۲۱۵). امری کند که نسبت به فقرا تواضع داشته باشد «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ...» (کهف، ۲۸).

این سخن تکلیف پیامبر و تمامی رهبران دینی را روشن می‌کند، که مومنان را همچون پرنده‌ای که جوجه اش را به مهر در زیر بال و پر می‌گیرد با تواضع حفاظت کنند. جذب مردم به دین با خشونت سازگار نیست. پیامبر اکرم می‌فرمایند: فروتنی بر شما لازم است، زیرا فروتنی نشان دهنده پاکی و صفای دل است. (نهج الفصاحه، ۱۸۸).

از تواضع پیامبر اکرم همین کافی است که فرمودند: پنج چیز را تا هنگام مرگ ترک نمی‌کنم؛ غذا خوردن با بردگان روی زمین، سوار شدن بر الاغ بی پالان، پوشیدن پشم زبر، سلام کردن به کودکان، دوشیدن بز با دست خود تا بعد از من سنت باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۱۵).

همه انبیا الهی مومنان مستضعف و پابرهنه را گرامی می‌داشتند و در برابر اشراف می‌ایستادند و قاطعانه درخواست آنان را رد می‌کردند. حضرت نوح در جواب کافران نسبت به طرد مومنان فقیر فرمودند: و من هرگز مؤمنان فقیر را طرد نمی‌کنم (شعراء، ۱۱۴).

در سیره حضرت عیسی علیه السلام آمده است: «لَنْ يَسْتَنْكَفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكَفَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا» (نساء، ۱۷۲). در روایتی آمده است: حضرت عیسی علیه السلام بعد از شستن پاهای حواریون فرمود: شایسته‌ترین مردم برای خدمت به خلق، دانشمندان هستند و من به این شکل تواضع نمودم تا شما نیز پس از من در بین مردم اینگونه تواضع داشته باشید. سپس فرمود: "حکمت و فرزاندگی انسان با تواضع بارور می‌گردد نه با غرور، آنگونه که گیاه در دشت می‌روید و رشد می‌نماید نه در کوه. (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۵). شستن پای حواریون نهایت تواضع حضرت عیسی مسیح را نشان می‌دهد. تواضع ثمره علم به خداشناسی و خودشناسی است. تواضع تمام هستی را جذب خود می‌کند و کسی نیست که در مقابل فرد متواضع سر تسلیم فرود نیاورد و برعکس تکبر باعث دین‌گریزی مردم می‌شود.

۳-۶- نصیح و خیر خواهی

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم و اساسی برای جذب دل‌ها، نصیح و خیرخواهی مبلغ است. این ویژگی در اثر ایمان به هدف در مبلغ پدید می‌آید. قطعاً تلاش در جذب مردم، بدون خیرخواهی امکان‌پذیر نیست. همانطور که انبیا الهی بعد از ابلاغ رسالت خود

صریحا ناصح بودن خود را بیان می‌کنند. قرآن کریم از زبان نوح نبی می‌فرماید: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف، ۶۲). علامه مجلسی می‌فرماید: از خیرخواهی حضرت نوح عليه السلام بود که نهصد و پنجاه سال برای هدایت و دعوت مردم تلاش کرد (مجلسی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۲۵۵). همین ویژگی مهم در مورد انبیاء دیگر هم آمده است: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف، ۶۸؛ ۷۹؛ ۹۳). اولین لازمه خیرخواهی خالصانه عدم درخواست مزد و چشم داشت مادی است. بنابراین تمام پیامبران الهی از آنجا که ناصحان بشر هستند، به صراحت خود را از مزد و پاداش بی‌نیاز می‌شمردند «إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ...» (یونس ۷۲)؛ «وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ...» (هود، ۲۹؛ شعرا، ۱۰۹). در راستای هدایت خیر خواهانه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم مانند انبیا دیگر از مردم درخواست مزد مادی نداشت. اما بر اساس آیات متعددی از قرآن کریم از طرف خداوند مأمور شد، تا در مقابل رسالتش مزد معنوی بگیرد «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (شورا، ۲۳)؛ «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان، ۵۷).

مزد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آیات یاد شده، انتخاب راه خدا و مودت ذی‌القربی‌ او است. که هر دو مزد رسالت، به نفع مردم می‌باشد و نشان از نص و خیرخواهی او است. راه خدا و مودت اهل بیت از همدیگر جدا نیست و انسان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت به هر دوی اینها نیاز دارد. مومنانی و مطالعات فربنگی
نصح و خیرخواهی لازمه تبلیغ دین است. همانطور که امام صادق عليه السلام می‌فرماید: بر مومن اینگونه واجب است که خیرخواه و ناصح مردم باشد (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۹۶). اگرچه در لغت فارسی «نصح» به معنی نصیحت کردن است، ولی در زبان عرب مفهوم وسیع‌تری دارد.

۷-۳- صبر و استقامت

منکران دین در مقابل تعالیم نورانی وحی ایستادگی می‌کردند. و با هر وسیله سعی در خاموش کردن نور رسالت داشتند. و به آزار جسمی و روحی انبیا می‌پرداختند. یکی از آن روش‌ها آزار و اذیت جسمی انبیا بود. در قرآن کریم آمده است، مشرکان در مقابل سخنان

الهی حضرت ابراهیم او را محکوم کردند، و به آتش انداختند «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» (انبیاء، ۶۸). نمونه دیگر صبر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد. به طوری که پیروزی و موفقیت آن حضرت مرهون تحمل مشقت‌های ایشان بود و به ابوذر غفاری فرمود: «ان النصر مع الصبر» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۹۰).

زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشان دهنده صبر بی اندازه او در راه تبلیغ دین می باشد. تا جایی که حتی بیشترین آزار را از خویشان خود دیده است. در مجمع البیان آمده است: ابولهب در مقابل دعوت او، او را سنگ باران می کرد؛ همسر ابولهب بوته‌های تیغ دار را در راه آن حضرت می ریخت (طبرسی، بی تا، ج ۲۷، ص ۳۵۰، ۳۴۸). بعضی از آنها بچه دان گوسفند بر سر آن حضرت می انداختند، و عبای آن حضرت را در حد کشتن به دور گلویش فشار می دادند (البلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱). در آیه دیگری خداوند برای تقویت روحی پیامبر به صبر انبیا پیشین اشاره می کند: «وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا..» (انعام، ۳۴؛ احقاف، ۳۵). در آیات متعددی خداوند به پیامبر اکرم امر می کند که در راه تبلیغ دین در برابر دشمنان صبر داشته باشد «وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ» (۴۸ طور).

مخالفان نه تنها آزار جسمی بلکه به آزار روحی انبیا هم می پرداختند، آنها را متهم به جنون و سحر می کردند. «فَتَوَلَّىٰ بِرْكَانِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ» (الذاریات، ۳۹؛ مومنون، ۲۵) «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ» (اعراف، ۱۰۹؛ شعراء، ۱۵۳؛ ص، ۴).

زندگی انبیا الهی، بیانگر صبر و استقامت آنها در برابر مشکلات فراوان، آزارهای جسمی و روحی در راه هدایت و جذب مردم بوده است.

مبلغی که پیرو انبیا الهی است، مامور به صبر در راه تبلیغ می باشد. چرا که در این راه، مشکلات زیادی وجود دارد. همواره با افکار منحط، خرافات جاری، افراد سودجو و زورگو روبرو است. و بدون داشتن صبر و حوصله به هدف متعالی خود نمی رسد.

۳-۸- هماهنگی قول و فعل

هماهنگی بین قول و فعل مبلغان در جذب و هدایت مردم نقش بسزایی دارد و برعکس عدم قول و فعل باعث دین‌گریزی مخاطب می شود. چنانکه تمامی انبیا چنین بودند و به

هر آنچه می‌گفتند عمل می‌کردند. در قرآن کریم آمده است: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...» (انعام، ۱۶۱). این آیه هدف رسول خدا ﷺ را در دعوت نشان می‌دهد، که به آنچه دعوت می‌کرد عامل هم بوده است. در جای دیگری آمده است: «قُلْ إِنَّا صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲). در جای دیگر می‌فرماید: دانا کسی است که کردارهای او به درستی گفتارهای او گواهی می‌دهد (تمیمی، ۱۴۱۰ ص ۹۱). عدم هماهنگی قول و فعل صاحبان نفوذ، مبلغین و مسئولین جامعه اسلامی به تدریج باعث به وجود آمدن نفاق می‌شود و نفاق باعث دین‌گریزی مخاطب است. تا جای که در قرآن کریم سخت مورد نکوهش قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲).

در اخلاق اسلامی درون و باطن انسان باید بهتر از ظاهرش باشد و اگر گفتارش برخلاف باطن باشد ریا و نفاق محسوب می‌شود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: مردم را با رفتارهایتان به دین دعوت کنید و دعوت‌کننده با زبان نباشید (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۷۷). ناهمسویی در رفتار و گفتار باعث می‌شود عده بسیاری از مردم دچار بدبینی به اصل دین شوند و این مسئله ضربه سختی به اعتقادات مردم وارد می‌کند، چرا که انسان به طور فطری با عمل برخاسته از تقوا بیشتر تحت تاثیر قرار می‌گیرد تا با گفتار زیبا، زیرا مبلغ با رفتارش صداقت خود را نشان می‌دهد. تقدم عمل مبلغ اصل و ملاک تبلیغ است. مخاطب هرگاه بفهمد مبلغ از دل سخن می‌گوید و به گفته خودش ایمان دارد، گوش دل به او می‌دهد و تاثیر عمیق تری دارد. سخنی که از دل بر می‌خیزد بر دل می‌نشیند. و در جان اثر می‌گذارد و بهترین نشانه سخن حق این است که مبلغ قبل از هر کسی به آن سخن عمل کند. همانطور که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از اینکه به رسالت برانگیخته شود، با اعمال نیک خود مورد تایید مردم بود. قبل از اینکه گفتار وحی گونه اش را به گوش مردم برساند به محمد امین معروف بود. داعی مردم به دین تلاش می‌کند، تا به گفتارش عمل کند. مبلغین، متولیان فرهنگی کانون توجه و توقع مردم، جوانان و نوجوانان هستند، چه بسا اعمال غیر دینی آنان ضربه سهمگینی به اسلام وارد می‌کند، به طور کلی تناقض در گفتار و عمل از هر کسی ناپسند می‌باشد، ولی از کسانی که در راس کار و تبلیغ هستند، ناپسندتر است،

زیرا همسو نبودن گفتار و عمل آنها، باعث می‌شود که جامعه به فساد کشیده شود چرا که الگوی جامعه اسلامی هستند.

۴- نتیجه گیری

۱. سیره تبلیغی انبیا الهی بهترین اسوه برای هدایت و جذب مردم است.
۲. مهم‌ترین اصلی که انبیاء در سیره تبلیغی خود به آن اهتمام داشتند، توجه به کرامت ذاتی انسان می‌باشد.
۳. مهمترین شیوه‌های عملی در سیره انبیاء، شامل محبت و دلسوزی، حسن خلق، عفو و گذشت، تواضع و فروتنی، نصیح و خیرخواهی، صبر و استقامت، هماهنگی قول و عمل است.
۴. قرآن کریم کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب هدایت بشریت است، پیروی کردن از آن بهترین شیوه هدایت می‌باشد که برای جذب و هدایت مردم در هر مکان و زمانی قابل بهره برداری می‌باشد.
۵. در صورتی که مبلغین، مسئولین فرهنگی شیوه‌های یاد شده را رعایت کنند، در جذب مردم به دین اسلام بسیار اثرگذار است، زیرا مخاطب در وهله اول مجذوب رفتار مبلغ می‌شود و در فرایند هدایت با آرامش و اطمینان سخنان آنها را می‌پذیرد و در مقابل گفتار آنها اقبال می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم: مترجم، الهی قمشه ای، مهدی، (۱۳۸۰ش) چاپ دوم، قم، ناشر فاطمه الزهرا (س).
- نهج البلاغه (سید رضی)، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی، (۱۳۸۸ش)، ترجمه نهج البلاغه، مترجم، دشتی، محمد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات وجدانی.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، محقق و مصحح، هارون عبدالسلام محمد، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، ناشر دارصادر.
- الآمدی التیمی، عبد الواحد، (۱۴۱۳ق)، غرر الحکم و درر الکلم، محقق، رجای، سید مهدی، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامی.
- البستانی، فوادفرم، (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران، ناشر اسلامی.

- البلاذری، ابوالحسن مصری، (۱۹۹۵ق) **فتوح البلدان**، انتشارات السعاده.
- ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ق)، **روان جاوید در تفسیر قرآن مجید**، چاپ دوم، تهران، ناشر برهان.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، **الصحاح**، چاپ اول، بیروت، دارالعلم للملایین.
- الحرانی، الحسین بن علی، (۱۳۷۹ش)، **تحف العقول**، ترجمه آیت الله کمره ای، چاپ هفتم، انتشارات کتاب چی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، **قرب الاسناد**، محقق، موسسه آل البيت، چاپ اول، قم، موسسه آل بیت.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم، موسوی، محمد باقر، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلام.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، **التفسیر الکبیر، تفسیر القرآن العظیم**، چاپ اول، اردن، ارید، ناشر، دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، ابوالفضل علی، (۱۴۱۸ق)، **مشکاه الانوار فی غرر الاخبار**، مترجم، هوشمند، مهدی، چاپ اول، قم، دارالحدیث.
- طبرسی، الفضل بن الحسن (بی تا)، **ترجمه تفسیر مجمع البیان**، مترجم، نوری همدانی، حسین، مصحح، رسولی، هاشم، چاپ اول، تهران، ناشر فراهانی.
- عمیدی، حسن، (۱۳۶۵ش)، **فرهنگ عمید**، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، **کتاب العین**، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، **من وحی القرآن**، چاپ اول، بیروت، دارالملاک قرشی، علی اکبر.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، **قاموس المحيط**، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، **التفسیر الصافی**، مصحح، اعلمی، حسین، چاپ دوم، تهران، ناشر مکتبه الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، **تفسیر قمی**، محقق، موسوی جزائری، طیب، چاپ سوم، قم، ناشر دارالکتاب.
- کاشانی، فتح الله بن شکر الله، (۱۳ش)، **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- کلینی، محمد یعقوب (۱۳۶۴ش)، **ترجمه کافی**، مترجم، سید جواد، مصطفوی، چاپ اول، تهران، موسسه تحقیقاتی نور.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار**، چاپ دوم، بیروت، موسسه الوفاء.
- مجلسی، محمد باقر، (بی تا)، **حیوه القلوب**، بی جا، انتشارات سرو، بی تا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹ش)، **مجموعه آثار**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، چاپ دهم، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه.
- میرزایی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، **نهج الفصاحه**، چاپ چهارم، قم، انتشارات چاف.